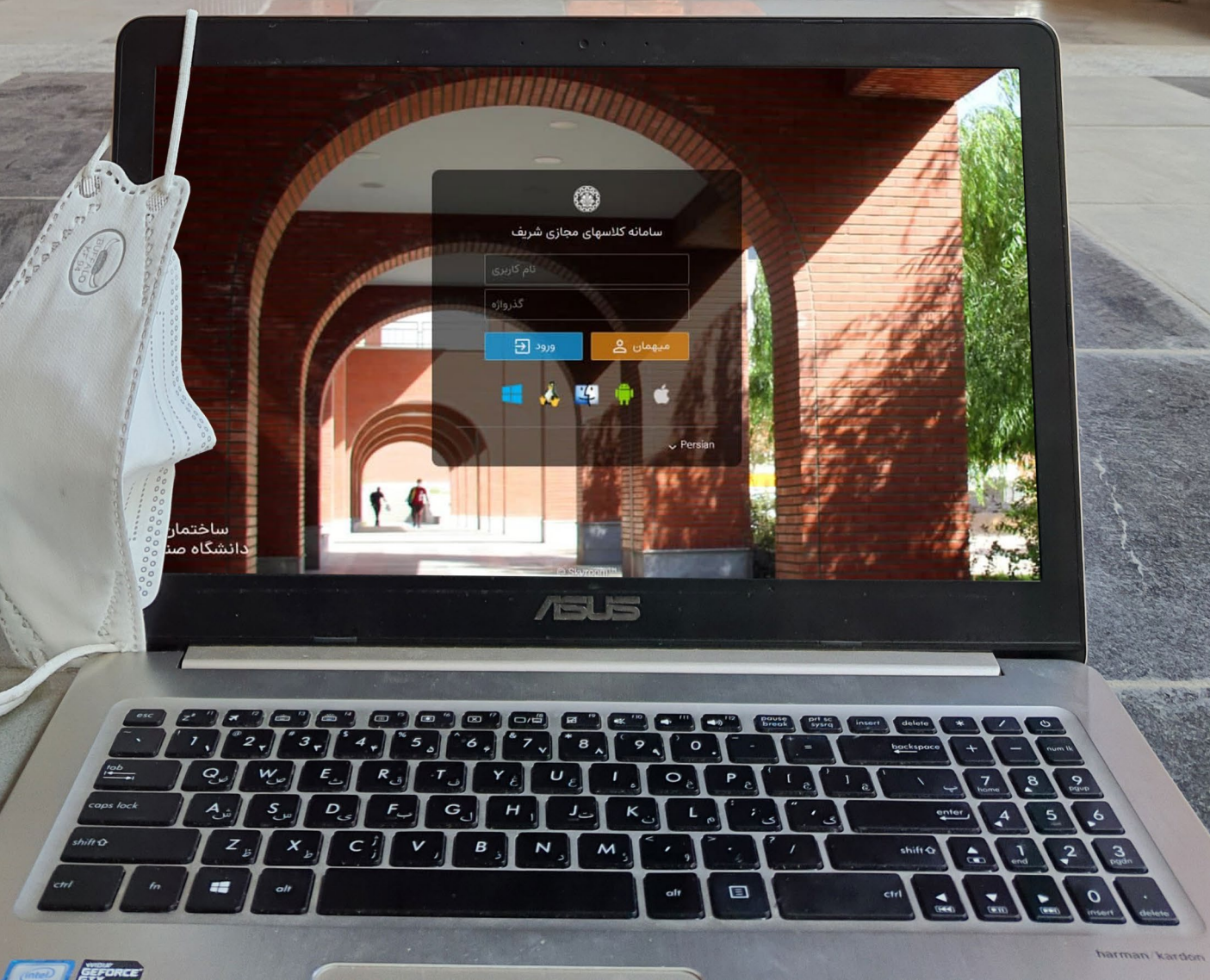


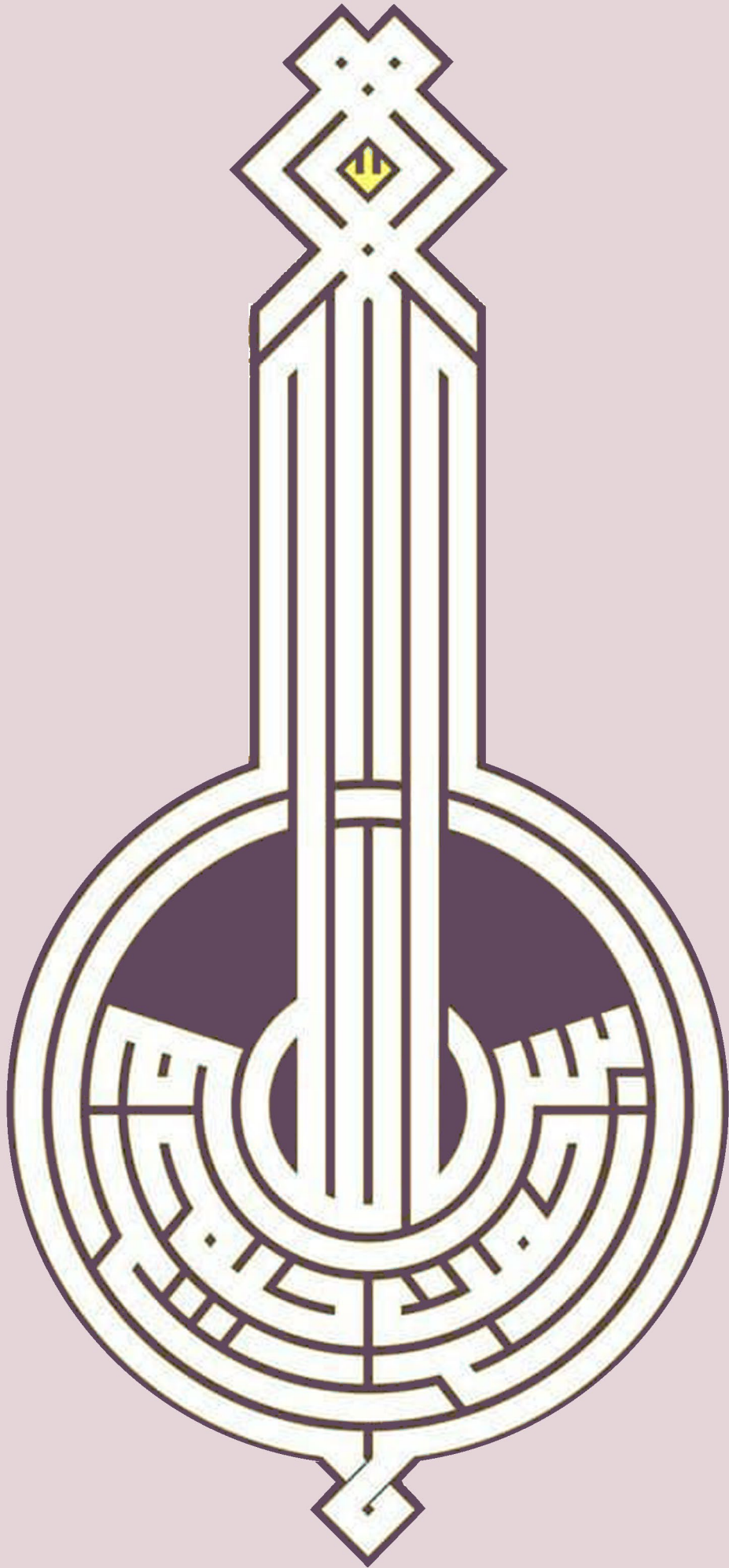
[درایه]

نشریه فرهنگی دانشکده علوم ریاضی شریف
شماره دوم دوره ششم (ویژه نامه ورودی)
آذرماه ۱۴۰۰

اپسیلون ها وارد می شوند

پاول اردوش، اسطوره ریاضیات،
بچه های کوچک را با لفظ
اپسیلون صدا می کرد.





صاحب امتیاز	: انجمن علمی ہمبند
مدیر مسئول	: متین انصاری پور
شورای سردیپران	: زہرا حیدری فر، ربا ہاشمی
وپراسناران	: نگین لطفی، متین یوسفی
صفحہ آراپان	: پریا اینزڈی مند، پرناز بایلیان، ہلیا رضوانی، فاطمہ شعبانی، محمد علی علما، فاطمہ محمدی
دست اندر کاران	: سید شاہد رضوی زارہ، محمد مہدی زارع، نیما عمونی، سینا قاسمی نژاد، ہادی ہادی
نوہندگان	: ڈاکٹر جواد ابراہیمی بروجنی، علی الفاسی، متین انصاری پور، مہر شاد تازیگی، فاطمہ تقی زارہ، حنین رحمانی، پوریہ سردی، مہدی سعید خور، سینا قاسمی نژاد، ربا ہاشمی، متین یوسفی
با فکرا از	: احمد رحیمی، متینا شعبان پور، نگین لطفی، مریم مقدر

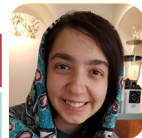
۵	بعد از سلام
۶	واژه نامه
۸	سوت نیوز
۱۰	جیک جیک مستون
۱۱	پرونده
۱۴	استادنامه
۱۵	روی داد
۱۸	یادداشت آزاد
۱۹	درنگ

بعد از سلام



از آمدنت هیچ معلوم نبود

دبیا هاشمی



متوجه اهمیتش نمی‌شی ولی وقتی دیگه پیر و سالخورده شدی و دیدی هر کدام از دوستات دارن یه کار می‌کنن، دلت برای ترم‌های اول تنگ می‌شه. بعد از چند وقت، هر کی به یک سمت جذب می‌شه؛ یکی می‌ره طرف کار تو شرکت، یکی می‌ره با یه استادی کار کنه و... آدمای دیگه زیاد درس مشترک با هم ندارن، چون زمینه‌ی مورد علاقه‌شون رو تا حدی پیدا کردن و بیشتر در اون زمینه درس برمی‌دارن و چشم به هم بزنی می‌بینی بعضی از دوستات دارن اپلای می‌کنن.

اشتباه منظورم رو برداشت نکنید، سال‌های بالاتر بد نیستن. اصلاً درس‌های سال اول رو می‌خونی که برای درس‌های سال‌های بعد (که اصل کارین!) آماده شی ولی از همین الان بدانید و آگاه باشید که تو سالی هستی که شبیهش احتمالاً در زندگیتون تکرار نمی‌شه و باید قدرش رو دونست. از طرفی هم شاید الان خیلی به نظرتون بعید باشه ولی در آینده‌ای نه‌چندان دور باید تصمیم‌های مهمی در زمینه‌ی اینک می‌خواید چی کار کنید بگیرید و خوبه که برای این موضوع آماده باشید. به همین منظور شمارو دعوت می‌کنم به درایه ورودی؛ تا چراغی باشه برای راه دور و درازتون.

الان نزدیک به دو ساله که کرونا همراه و همدم تمام فعالیت‌های روزانه‌مون شده. ولی یه روزایی بود که هیچ کس این‌جوری درگیر نبود و زندگی‌ها روال عادی خودش رو داشت. اواخر اون روزا با ترم اول دانشگاه من مصادف بود. خاطره‌هایی که از اون روزا یادم میاد رنگ‌وبوی خوبی دارن. مثلاً یادمه یکی از بچه‌ها یه لیست از شماره‌های دانشجویی‌ها جمع کرده بود و بعد از هر امتحان ریاضی‌یک، نمرات بالا رو اعلام می‌کرد تا از شون شیرینی بگیریم. یا چه تلاش‌هایی بچه‌هایی که دیر اومده بودن می‌کردن تا استاد برنامه‌نویسی تو کلاس راهشون بده و چه خواب‌هایی اونایی که تو کلاس بودن نکردن! اگر بشینید پای صحبت یکی از سال‌بالایا هزار تا از این خاطرات براتون می‌گه که ذکرشون در این مقال نگنجد. حدسم اینه که ترم یک شما زیاد به ترم یک من شبیه نباشه ولی هرچقدر هم متفاوت، یک شباهت بزرگ و مهم دارن؛ همه ورودیا درسا و زندگی‌های نسبتاً مشابهی دارن. این یکی از مهم‌ترین خواص یکی دو ترم اوله که در لحظه



واژه نامه

جکوز:

فضای سبز و آب‌نمای جلوی ساختمان شریف پلاس و بوفه. جای کشیدن وینیل زیاد.

لوپ:

فضای سبز جلوی هر دانشکده را لوپ آن دانشکده می‌گویند. سرشار از دود و دم.

مرمیز:

نام کتابخانه دانشکده ریاضی که به افتخار پروفسور مریم میرزاخانی نام‌گذاری شده. محلی لاکچری، مناسب برای چرت زدن در ایام شلوغ امتحانات.

لابی ریاضی:

محلی برای بازی، صحبت، استراحت و... در کنار دوستان. متأسفانه در حال حاضر مبیل ندارد.

دلگشا:

فضایی زیبا بین دانشکده هوافضا و حراست.

عبدس:

مخفف عبدالسلام. مرمیز دانشکده فیزیک.

شائولین:

سلف دانشگاه (به علت طولانی بودن راه پله‌اش).

ابنس:

مخفف نام ساختمان ابن‌سینا. محل برگزاری تقریباً تمام کلاس‌های دانشکده ریاضی.

سالمط:

سالن مطالعه.

الف‌صفر:

دستشویی کنار ابنس. مناسب برای قبل امتحان.

استادیوم:

اتاق اساتید.

سایت:

محل تشکیل کلاس‌های حل‌تمرین بی‌پی. مناسب برای کد زدن و درس خواندن‌های دسته‌جمعی.

بی پی:

مخفف Basic Programming. آش کشک ورودی‌ها و اولین درس پروژه‌دارشان.

ای پی:

مخفف Advanced Programming. آموزش بیل زدن روزانه ۷ ساعت به مدت ۷ ماه.

دی اس:

مخفف Data Structure و نام درس ساختمان داده است.

دی ای:

مخفف Design Algorithm و نام درس آنالیز الگوریتم‌ها است.

اواس:

مخفف Operating System و نام درس اصول سیستم‌عامل‌ها است.

اوار:

مخفف Operation Research و نام درس تحقیق در عملیات است.

پی دی ای:

مخفف Partial Differential Equation به معنای معادلات دیفرانسیل با مشتقات جزئی.

جبرخ:

مخفف جبر خطی.

آز:

هر درس آزمایشگاهی.

گزاز:

مخفف گزارش‌کار آزمایشگاه. زنده کننده‌ی خاطرات رونویسی ابتدایی. عامل مفاصل کبود انگشتان دست و تمام شدن انبوهی از خودکارهای دانشجویان. دردی در روح و روان.

گزاز:

کوئیز آز. بسته به تی‌ای می‌تواند بسیار سمی یا بسیار راحت باشد.

ریضمو:

مخفف ریاضیات مهندسی. می‌توان به جایش توابع مختلط یا PDE برداشت.

دیف:

مخفف معادلات دیفرانسیل. دروس آنالیز نیز مخفف دارند که متاسفانه اینجا جاش نیست.

تی‌ای:

دانشجویی که می‌تواند درس را به بهشت یا جهنم تبدیل کند.

ریکام:

موجودی نایاب که اپلای‌کنندگان به دنبالش اساتید از دادنش بی‌زارند. معمولاً در دسته‌های سه‌تایی دیده می‌شود.

سی‌وی:

رزومه. خلاصه کرده‌ها و ناکرده‌ها.

شَهشه:

مخفف نام استاد شهشهانی. تقریباً در نام هر چیزی که به استاد مربوط شود استفاده می‌شود. ایمیل استاد نیز shahshah@sharif.ir است.



سوت نیوز



ورودی‌ها کارت دانشجویی می‌گیرند، ۱۹۹‌ها فشار می‌خورند.

خبر آمد که ورودی‌ها می‌توانند برای انتخاب عکس کارت دانشجویی به سامانه آموزش رفته و عکسشان را عوض کنند. البته این خبر به مذاق ۱۹۹‌هایی که بعد از دو ترم (آن هم بدون فرصت تغییر عکس) کارت دانشجویی گرفتند اصلا خوش نیامد و فشار بسیار خوردند.

ورودی‌ها کانال میم زدند!

ورودی‌های ۱۴۰۰ دانشکده شروعی طوفانی داشتند و در اولین هفته‌های حضورشان اقدام به ایجاد یک کانال میم کرده‌اند. آی‌دی این کانال که هنگام نوشتن این متن حدود ۱۸۰ عضو دارد SUT00meme است و میم‌هایش را تعدادی از ورودی‌ها تأمین می‌کنند.



جشن یلدا، آیا ۱۴۰۰‌ها به ۱۹۹‌ها می‌رسند؟

همان‌طور که به یاد دارید جشن یلدا سال پیش (که توسط ورودی‌های ۹۹ برگزار شد) یکی از بهترین جشن یلدهای چند سال گذشته بود. این مسئله باعث می‌شود انتظارات از جشن یلدا پیش رو بسیار بالا باشد که فشار زیادی را به ورودی‌ها تحمیل می‌کند. آیا ۱۴۰۰‌ها زیر این فشار خرد می‌شوند؟ یا می‌توانند جشنی به خوبی جشن سال پیش برگزار کنند؟ (بیاین با خودمون روراست باشیم. نمی‌تونن.)





فقط یک بار!

دانشکده ریاضی تصمیم گرفته است که از این پس، دانشجویان برای تحویل پاسخ تمرین‌های درس معادلات دیفرانسیل، تنها یک بار می‌توانند اقدام کنند و اجازه ندارند پاسخ ارسال شده را تغییر دهند. این بدین معناست که اگر شما به اشتباه پی‌دی‌اف دیگری را آپلود کنید یا پاسخ شما نقصی داشته باشد کار شما تمام است و نمره آن تمرین را از دست داده‌اید! این که چرا و چگونه ایده‌هایی این چنین درخشان و خردمندانه به ذهن اساتید دانشکده ریاضی می‌رسد همچنان در دست بررسی است. اما از یک چیز می‌توان اطمینان داشت و آن تأکید بر ابتکار عمل و روش‌های نوآورانه توسط این دانشکده در راستای ارائه هر چه بهتر دروس است.



انتخابات صنفی (به زور) برگزار شد.

انتخابات صنفی دانشکده ریاضی با ثبت نام ۱۴ شرکت کننده آغاز شد. از این ۱۴ نامزد ۹ نفر ورودی سال ۹۹ و ۵ نفر دیگر ۹۸ ای بودند. اما نکته جالب توجه ماجرا اینجاست که نصف نامزدها علاقه‌ای به انتخاب شدن نداشتند و نه تنها تلاشی در این زمینه نکردند بلکه علیه خود نیز تبلیغ می‌کردند. اگر به یاد داشته باشید انتخابات همبند نیز در نهایت با ۸ نامزد برگزار شد. این اتفاقات نشان دهنده این موضوع است که دانشجویان اشتیاقشان را نسبت به مسائل و رویدادهای درون دانشکده‌ای از دست داده‌اند. بدون شک بخشی از این بی‌انگیزگی ناشی از مجازی بودن و دوری از محیط دانشگاهی است. اما آیا این تنها دلیل است؟ بعضی معتقدند (درست یا غلط) که همبند و صنفی در چند ترم گذشته کار خاصی را به ثمر نرسانده و نتیجه‌ای نداشته‌اند. اینکه آیا این انتقادهای درست و به جا هستند یا خیر در این چند خط نمی‌گنجد. در نهایت برای صنفی و صنفیون در ترم‌های پیش رو آرزوی موفقیت می‌کنیم. در انتخابات اخیر صنفی آقایان یوسفی و ترابی با اخذ بیش از پنجاه درصد آراء در دور اول به شورا وارد شدند. آقایان سادات شکوهی، فتح‌اللهی، رضوی زاده، اولاد، حسینی و خانم‌ها بحری و ایزدی‌مند در دور دوم انتخابات شرکت خواهند کرد.





جیک جیک

مستون

[درایه]

درایه
@Deraye_mag

Edit profile

نشریه فرهنگی دانشکده ریاضی شریف

Translate bio

📍 ساختمان ابوریحان t.me/deraye_mag 📅 Born October 6, 2021
📅 Joined September 2021

0 Following 216 Followers

Tweets

Tweets & replies

Media

Likes

You Retweeted



Benjamin and 99 others @benyamin_going · Nov 13

اگه از من بپرسی حال خوب چیه میگم کار بامعنی انجام دادن



2

19



You Retweeted



Ali Hashemi @alhashemi_99 · Aug 6

این عزیزان اپلای کرده یه جوری 24ای از سفر و عشق و حال استوری میذارن آدم اصن حس میکنه اونجاس. الان احتمال کم شدنم در کانادا و اروپا کمتره تا قم. خدا خیرتون بده اساتید.

3

3

191



You Retweeted



Sanaz @Sanaz_moghaddas · Oct 28

دلم خیلی ترم یک میخواد: "بریم بیرون، هوا سرد و بارونی باشه، هنوز همدیگه رو نشناسیم، یلدا برگزار کنیم: """"""""""

1

2

28



You Retweeted



The 150 @M_H_H_7 · Nov 6

من خود به چشم خویشتن دیدم که نمرم میرود



5

84



You Retweeted



قانع @Sina_Qane · Nov 7

راهی برای بیرون اومدن از این سیکل معیوب بی حوصلگی و درس نخوندن نیست؟

7

9

147



You Retweeted



Rey @Reyhneghz · Nov 5

رفتیم دانشگاه بعد یکی از بچه هامون ۱۹۱ بود دوتا شون ۱۹۴، پیش هرکی میرفتیم میگف شماها بزرگین بهتون نمیداد ورودی کارشناسی باشین، ورودی ارشدین؟((((((((((



1

4



You Retweeted



طاها @Tahajal · Oct 23

آرزو به دل موندم یه بار کلاس ساعت 8 صبحو عین ادم شرکت کنم و هیچ جاش خوابم نبره.

1

1

20



Home



Explore



Notifications



Messages



Bookmarks



Lists



Profile

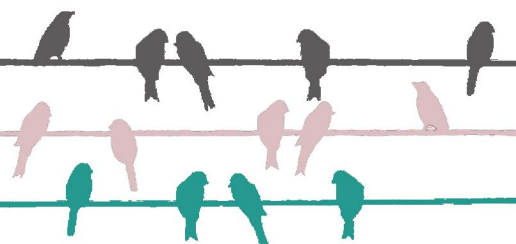


More

Tweet



درایه
@Deraye_mag



[درایه]

پرونده

کمی گیم تئوری

سینا قاسمی نژاد



و صرف انرژی کم تر حضور یابند. همکاری در یادگیری می تواند انواع مختلفی داشته باشد. از انواع آن می توان به تشکیل حلقه های مطالعاتی در خصوص مبحثی خاص، برگزاری کلاس های رفع اشکال خودجوش، مطالعه گروهی برای یادگیری تئوری و حل مسئله دسته جمعی اشاره کرد. بدیهتاً مانند تمام انتخاب های دیگر که چند گزینه وجود دارد، روش یادگیری در دانشگاه را نیز نمی توان به طور مطلق و با منطقی صفرویکی انتخاب کرد. به همین دلیل، سعی کردیم به خوبی ها و بدی های مطالعه گروهی اشاره کنیم و با ذکر چند مثال به شما در انتخاب بین این دو کمک کنیم.



احتمالاً با ریاضیدان آمریکایی، جان نش، توسط فیلم A Beautiful Mind آشنا هستید. ریاضیدانی که به دلیل تلاش های ارزنده اش در راستای تکامل نظریه بازی ها، جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرد. یکی از مهم ترین دستاوردهای علمی وی، قضایایی در نظریه بازی است که با نام «تعادل نش» شناخته می شود. تعادل نش بیان می کند که بهترین نتایج زمانی حاصل می شوند که هر کس آنچه را که برای خود و گروه بهترین است، انجام دهد. به طور دقیق تر، اگر افراد گروه همکاری کرده و نفع کلی گروه را نیز در نظر داشته باشند، به بیشترین منافع و سود، هم برای خود و هم برای گروه دست می یابند.

این گروه فرضی را، دانشکده خود در نظر بگیرید. احتمالاً در تجربه ای که تا الان از دانشگاه داشتید، با درس زمان گیر، تمارین متوالی و اساتید سخت گیر آشنای نسبی ای پیدا کرده اید. در این فشار سنگین درس، معمولاً دانشجویان دو راه خواهند داشت، با تکیه بر توانایی فردی خود با دیگران رقابت کنند، یا با همکاری و هم فکری سالم با هم کلاسی ها، نقاط ضعف یکدیگر را پوشش دهند و نقاط قوت خود را ارتقا دهند تا در رقابت های پیش رو با آمادگی بیش تر

کنین. گروهی کار کردن نباید موجب حواس پرتی شما بشه. تلاش کنین افرادی رو پیدا کنید که بودن با اونا براتون سودمنده.

امیدوارم توی این شرایط کرونا، با درس خوندن‌های گروهی و حلقه‌های مطالعاتی بتونین ساعتای طولانی درس خوندن رو کمی جذاب‌تر کنین.

مطالعه گروهی

متین یوسفی



به‌طور کلی، من مطالعه گروهی را روش بهینه‌ای برای یادگیری نمی‌یابم. اولین دلیلی که باعث می‌شود مطالعه گروهی گزینه مناسبی نباشد، این است که معمولاً در جمع‌های دانشجویی (چه کم‌جمعیت و چه پرجمعیت) زمانی که فرصت شوخی‌وخنده و گپ‌وگفت موجود است، تمرکز روی مطالعه و تمرین علمی کم خواهد شد. زمان‌های استراحت طولانی می‌شود و زمان‌های مطالعه کوتاه. بخشی از زمان هم‌نشینی هم به صحبت از اینکه درس بد ارائه شده، استاد فلانی سخت‌گیر است یا استاد بهمانی ترم پیش خیلی عالی این درس را ارائه کرد اختصاص خواهد یافت.

دومین برتری مطالعه فردی بر مطالعه گروهی عدم نیاز به تعامل است. در مطالعه گروهی هنگام حل مسئله یا مطالعه قسمتی از جزوه یا کتاب دو نفر ممکن است راه‌حل‌های متفاوت برای مسئله‌ای یا برداشت‌های متفاوت برای قضیه‌ای داشته باشند در این صورت به تبادل راه‌حل یا برداشت‌شان می‌پردازند که علی‌رغم اینکه

یک تجربه سودمند

مهرشاد تازیکی



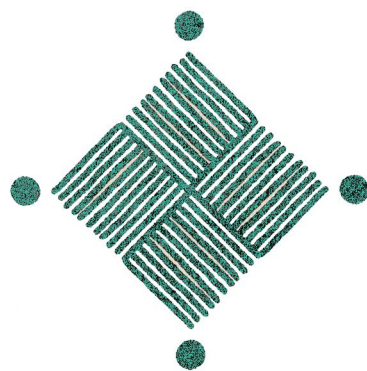
هم‌افزایی علمی و درس خوندن توی گروه‌های درسی کوچیک می‌تونه به پیشرفت شما، در راستای هر هدفی که دارین، کمک کنه. با همکاری علمی می‌تونین از درسی که بهش علاقه دارین بیش از پیش لذت ببرین یا توی درسی که ضعیف هستین خودتون رو تقویت کنین. این کار حتی می‌تونه به شما کمک کنه نمراتتون رو ارتقا بدین. مهم‌ترین گام هم‌افزایی علمی اینه که کسی رو پیدا کنین که درس خوندن باش یه رابطه سودمند دوطرفه باشه و کمک کنه جفتتون به اهدافتون برسین. این کار می‌تونه به شما دیدگاه‌های متفاوت برای آنالیز و حل کردن مسائل رو نشون بده. همچنین این کار می‌تونه انگیزه شما برای تلاش کردن رو افزایش بده. یک گروه علمی می‌تونه کمکتون کنه که از هفته‌های شلوغ و سختتون موفق بیرون بیاین و یه راه خیلی راحت و جذاب برای یادگیری باشه. مثلاً در روزا طاقت فرسای نوشتن پروژه درس‌ای پی‌پربازده‌ترین زمانای من وقت‌هایی بود که با چند نفر دیگه گروهی شروع به پیش بردن پروژه می‌کردیم و به‌هم‌دیگه توی حل مشکلات کمک می‌کردیم.

البته برای اینکه درس خواندن گروهی یه فعالیت‌های علمی سودمند و پربار باشه، نکاتی رو باید رعایت کرد. در غیر این صورت این جور فعالیت‌ها می‌تونن بازده شما رو کاهش بدن. برای اینکه یه هم‌افزایی علمی سودمند داشته باشین به اینکه این کار رو با چند نفر و چه افرادی انجام می‌دین دقت

می تواند موجب یادگیری عمیق تری شود اما نیاز به زمان دارد. این زمان گیر بودن مطالعه گرهی باعث می شود که در زمان های نزدیک امتحان یا مهلت های تحویل مناسب نباشد.

سومین نکته ای که در مقایسه مطالعه فردی و گروهی باید در نظر داشت این است که مطالعه فردی کاملاً شخصی سازی شده است و فرد می تواند قسمت هایی از درس که تسلط دارد را رد کند و روی قسمت هایی که در آنها ضعف دارد تمرکز کند. اما مطالعه گروهی بر اساس نیاز درسی جمع تنظیم می شود و نه فرد.

البته کیفیت مطالعه گروهی به گروه هم بستگی دارد. معمولاً گروه های کم جمعیت، مخصوصاً دوفره، کمتر در معرض آسیب اول و سومی که مطرح کردیم قرار می گیرند و اگر کسی در دوران دانشجویی دوستی داشته باشد که بتوانند با هم یک گروه مطالعاتی متمرکز تشکیل دهند، فرصتی ناب برای یادگیری خوب و با نشاط درس خواهند داشت.



نامه استاد

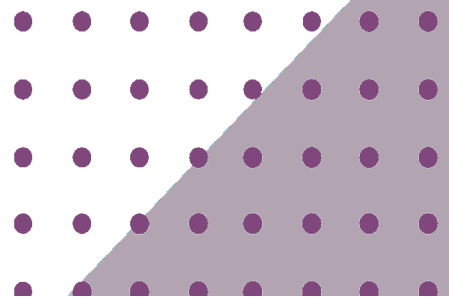


وقتی به دانشگاه آمدم شبکه‌های مجازی رونق امروز را نداشتند؛ یا بهتر است بگویم اصلاً شبکه مجازی‌ای وجود نداشت. ارتباطمان با دنیا از طریق وبلاگ‌ها بود. خبری از شاخ‌های مجازی نبود و جملات قصار پروفیسور سمیعی و دکتر حسابی و... درباره هر چیز ریزودرشت، اینترنت را پر نکرده بود. ولی همان زمان‌ها هم گاهی وقت‌ها نوشته‌ای در وبلاگ‌ها به سرعت دست‌به‌دست و یا به قول امروزی‌ها «وایرال» می‌شد.

وقتی که از طرف مجله درایه با من تماس گرفتند که چیزی برای بچه‌های ورودی جدید بنویسم ناخودآگاه یاد یکی از این متن‌ها افتادم که در یک برهه زمانی روزی چندین بار در وبلاگ‌های مختلف می‌خواندمش. ماجرای تخیلی یک استاد بود که برای دانشجویانش از تجربیات خود می‌گفت. از پیشنهاد کرم ضد آفتاب زدن تا توصیه‌هایی درباره استفاده از لحظه‌لحظه‌ی دوران جوانی. یا اینکه نگران آینده نباشید و اگر هم دلتان می‌خواهد نگران باشید، فقط این را بدانید که نگرانی همان اندازه مؤثر است که جویدن آدامس بادکنکی در حل یک مسأله ریاضی. یا در جایی می‌گفت: «اگر نمی‌دانید می‌خواهید با زندگیتان چه بکنید، احساس گناه نکنید؛ جالب‌ترین افرادی را که در زندگی‌ام شناختم در ۲۲ سالگی نمی‌دانستند می‌خواهند با زندگیشان چه کنند.» و در آخر هم اضافه می‌کرد که اگر هیچ‌کدام از این حرف‌ها را جدی نمی‌گیرید اشکالی ندارد ولی حتماً کرم ضد آفتاب بزنید.

خلاصه اینکه من هم خواستم بگویم اگر خیلی حوصله ندارید که سحر خیز باشید، کلاس‌ها را به‌موقع و مرتب شرکت کنید، ورزش کنید، زندگی را ساده بگیرید، سریع ناامید نشوید و به راهی که در پیش گرفته‌اید ایمان داشته باشید، دست‌کم به هر نقل قولی که در فضای مجازی می‌شنوید اعتماد نکنید. اگر این را هم دوست نداشتید، هکسره را درست استفاده کنید و به «جبر خطی»، «جبرخ»، به «دستیار آموزشی»، «تبعی»، به «راجع به»، «راجع» و به «اتاق اساتید»، «استاد یوم» نگویید.

دکتر جواد ابراهیمی بروجنی

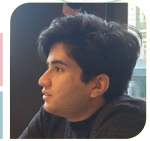


روی داد



کدت را قورت بده

متین انصاری پور



به نظر من کدناک جایبه که می‌تونی دانشکده خودت رو بشناسی، دوست پیدا کنی یا دوستای خودت رو بهتر بشناسی، چه شرکت‌کننده باشی و چه برگزار کننده. برای خود من کدناک جایی بود که تونستم یه تجربه خوب با دوستای خودم داشته باشم و دوستای صمیمیم رو بیشتر کنم، یه تجربه خوب برای هم‌کلاسی‌های خودم درست کنم و به‌شون احساس نزدیکی کنم و این یکی از بهترین حساییه که آدم می‌تونه تجربه کنه.

ولی جدای از کدناکش، چقد خوب میشه آدم همیشه تو زندگیش از این حسا داشته باشه و باهاشون زندگی کنه. انگار یه جورایی داره معنی زندگی کردن رو می‌فهمه و زندگی می‌کنه. نه؟

بیشتر شما که به دانشگاه اومدید احتمالاً تا حالا برنامه‌نویسی نکردین یا در حد یه چیزای سطحی با برنامه‌نویسی آشنا هستین و شاید برنامه‌نویسی به نظرتون یه چیز ترسناک یا خیلی سخت به نظر بیاد. یه رسمی توی دانشکده ما هست که هر سال المپیاد کامپیوتریای ورودی دانشکده که بیشتر با برنامه‌نویسی و الگوریتم آشنا هستن میان و یه مسابقه برنامه‌نویسی برای هم‌کلاسی‌های خودشون برگزار می‌کنن تا بهشون نشون بدن چقدر کد زدن و فکر کردن به سوال‌های الگوریتمی می‌تونه لذت‌بخش باشه. مسابقه به صورت تیمی برگزار می‌شه و می‌تونه به یکی از بهترین تجربه‌های دانشگاهتون تبدیل بشه.





از سوسک‌های مرده‌ی آمفی‌تئاتر تا حوض لجن‌گرفته‌ی سی‌ای^۱

علی الماسی

آغاز ماجرا، روز چهاردهم فروردین ۹۸ بود. من و محمد، قرار گذاشته بودیم که از میدان تجریش تا چهارراه ولیعصر قدم بزنیم. کمی که از شروع پیاده‌روی‌مان گذشت و صحبت‌ها بالا گرفت، من پیشنهاد برگزاری یک مدرسه‌ی تابستانی برای بچه‌های دبیرستانی را مطرح کردم و از محمد پرسیدم که «پایه‌ای؟». طبق معمول آن سال‌ها که هنوز حس و حالی داشت و دست رد به این‌جور پیشنهادها نمی‌زد، نه تنها پذیرفت؛ بلکه از همان پیاده‌روی ایده‌پردازی‌های ما برای انجام چنان کاری آغاز شد. یکی دو روز بعد بود که احمد هم با ما همراه شد و این‌طور بود که یکی از بهترین تجربه‌های دوران دانشجویی من شروع شد.

آن اوایل کارهایی که باید انجام می‌دادیم بی‌شمار به نظر می‌آمد. شاید مهم‌ترینشان متقاعد کردن بقیه‌ی آدم‌ها بود. «چند دانشجوی ورودی می‌خواهند یک مدرسه‌ی تابستانی برای چند دانش‌آموز برگزار کنند!» و چرا باید مسئولین دانشگاه قبول می‌کردند یا بزرگترها ما را در انجام آن همراهی می‌کردند؟ من و احمد شروع کردیم به نوشتن یک پروپوزال. همراه با محمد با آن‌ها که باید متقاعدشان می‌کردیم جلسه می‌گذاشتیم. با تعداد زیادی از شرکت‌ها ارتباط گرفتیم تا شاید یک حامی مالی پیدا کنیم. برای این‌که از تجربیات دیگران استفاده کنیم، حرف‌زدن با قدیمی‌ترهای دانشکده ایده‌ خوبی بود. نمی‌دانم، شاید به بعضی‌ها که حتی حدود ۳۰ سال قبل در دانشکده بودند هم سر

زدیم و کمک خواستیم. اگر بخواهم قصه را خلاصه کنم، بعد از یکی دو ماه، نه‌تنها رئیس و معاون‌های دانشکده ما را می‌شناختند، بلکه آشنایانی در حراست، آمفی‌تئاتر، معاونت‌های دیگر دانشگاه و حتی تأسیسات پیدا کرده بودیم:

آنچه تا اینجا برایتان تعریف کردم، بیشتر ناظر به وجه اجرایی کار بود. روی دیگر داستان، چه بسا جذاب‌تر باشد. غیر از مجوز گرفتن و هماهنگی‌های این‌چنینی، لازم بود محتوایی برای مدرسه تولید شود. در ذهن ما این بود که محتوای آموزشی مدرسه توسط خود دانشجویان تولید شود. پس باید دانشجویان را به همراهی دعوت می‌کردیم. برای خود من، این بخش هیجان‌انگیز مدرسه بود. این‌که خودمان را به کسانی که ما را نمی‌شناختند شناسانیم، و آن‌ها دعوت ما را قبول کردند. کسانی که خیلی‌هایشان بعد از مدرسه، دیگر از زندگی من بیرون نرفتند. کسانی که فقط در انجام بخشی از کار بهمان کمک نکردند، بلکه کار را در دست گرفتند و بدون آنکه نیاز باشد از آن‌ها چیزی بخواهیم، فعالیت‌ها را به بهترین نحو پیش بردند. زیبایی داستان همین‌جا است. آنچه ما سه نفر به آن باور داشتیم و می‌خواستیم شروع کنیم، توسط دوستانمان پذیرفته شد و از آن به بعد، دیگر خواست و هدف آن‌ها نیز بود.

کار آماده‌سازی محتوای آموزشی ظرف یکی دو ماه انجام شد. یکی از اهداف ما این بود که آماده‌سازی مطالب را تبدیل به فرصتی برای یادگرفتن موضوعات جدید برای خودمان کنیم؛ و البته همین‌طور هم شد. خیلی‌هایمان لازم بود چیزهای جدیدی مطالعه کنیم و نه تنها خودمان یادشان بگیریم، بلکه تلاش کنیم راه‌هایی پیدا کنیم

۱. اگر متن را نخوانده از همین عنوان می‌فهمید که قرار است از چه حرف بزنم، یعنی به فارغ‌التحصیلی نزدیک هستید!

انداخت، و هفته‌هایی که قبل آن به تدارک این سه روز گذشت، بدون شک برای من یکی از بهترین یادگارهای دوران کارشناسی‌ام باقی می‌ماند.

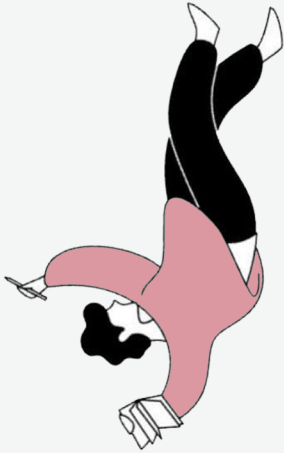
نمی‌خواهم حوصله‌تان را سر ببرم. می‌دانم که بعضی‌هایتان که این مطلب را می‌خوانید خودتان در آن مدرسه شرکت کرده بودید و از منظر دیگری، آن‌چه که من درباره‌اش نوشتم را تجربه کردید. اما حالا که دیگر هم‌کلاسی شده‌ایم، می‌خواهم یک چیز را به شما قول بدهم: دانشکده علوم ریاضی شریف پذیرای هر ایده‌ی خوب و سازنده است.

خودتان دست به کار شوید، با دوستانتان در انجمن علمی دانشکده حرف بزنید، و به آن‌چه که به نظرتان مفید است، یا کمبودش را احساس می‌کنید، یا برای اجرا کردنش اشتیاق دارید، جامه‌ی عمل بپوشانید.^۱

که چگونه همان چیزها را به نحو ساده‌تری به دیگران یاد بدهیم. حاصل این فعالیت‌های چند ماهه، سه روز از روزهای گرم میانه تابستان بود که حدود ۶۰ دانش‌آموز به شریف آمدند و پای سخنرانی‌ها و درس‌هایی نشستند که دوستان من تدارکشان دیده بودند، تا پیشاپیش جلوه‌هایی از زیبایی‌های علوم ریاضی را به هم‌کلاسی‌ها و هم‌دانشگاهی‌های آینده‌شان نشان دهند. افسوس که مجالی نیست برای گفتن اینکه آن سه روز چقدر برای همه ما شیرین و دلچسب بود، چقدر خوش گذشت، چه دوستی‌های ماندگاری شکل گرفت و آن فعالیت‌ها چگونه بعدها زندگی شخصی و دانشجویی خیلی از ما را متأثر کرد. تنها می‌توانم بگویم آن چند روز، از همان شب قبل از شروع مدرسه که من و نیوشا سوسک‌های مرده را از روی صحنه‌ی آمفی‌تئاتر جارو کردیم، تا عصر سه روز بعد که دقایقی از پایان اختتامیه نگذشته، امیرعلی، من و احمد را در حوض مقابل دانشکده‌ی سی‌ای



یادداشت آزاد



شروع نسبتاً جذاب

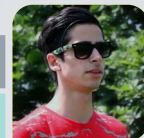
فاطمه تقی‌زاده



خب! طبیعتاً به هر کسی بگی شریف قبول شدی، از بس خوشحالی، هر گونه شیرینی‌ای رو می‌تونه ازت بکنه. منم بعد از اینکه از مراحل سخت شیرینی دادن به هر کس و ناکسی گذشتم، به خودم اومدم دیدم کلاس‌ها خیلی وقته شروع شدن و من هنوز نرفتم دانشگاه رو ببینم. تقریباً یک هفته امروز و فردا کردم تا بالاخره یک‌شنبه، ۹ آبان رفتم دانشگاه. باید بگم یه خوش‌شانسی‌ای که اوردم این بود که برادرم ورودی ۹۶ ریاضیه. برای همین، همون یک‌شنبه تقریباً همه دانشگاه رو دیدم. رفتیم دانشکده رو هم دیدیم. توی هر طبقه، وقتی به اتاق یکی از استادام می‌رسیدیم، با خودم می‌گفتم در بزنم ممکنه داخل باشه بالاخره سه‌بعدیش رو هم ببینم. با اینکه دو تا از آشناهام شریفی‌ان، ولی باز یه دید تک‌بعدی داشتیم نسبت به دانشگاه. این‌طوری که قراره پیام، فقط خودم رو با درس خفه کنم. ولی چیزی که خیلی برام جالب بود و بابتش واقعا خوشحالم، اتفاقاً تک‌بعدی نبودن دانشگاهه. همینی که تو جشن ورودی‌ها اول در مورد برنامه‌های تفریحی و فرهنگی حرف زدن و معرفی‌شون کردن، بعد کارهای درسی. خلاصه اینکه قطعاً هیچ‌جایی صددرصد بدون عیب و ایراد نیست، ولی فعلاً با قشنگی‌های شریف، خود من دارم عشق می‌کنم.



درنگ



عزم یا تقدیر

مهدی سلحشور

آوردن او شکایت می‌کند و سپس به مرور روایت زندگی او به تصویر کشیده می‌شود.

فیلمبرداری به سبک مستندهای اجتماعی این اثر، در کنار بازی بسیار تحسین برانگیز زین الرفعی (بازیگر نقش زین)، نقش زیادی در اثرپذیری مخاطب از این فیلم دارد. کارگردان در این فیلم به صورت مستقیم فقر، فلاکت و ناعدالتی را هدف قرار می‌دهد و توجه کم‌تری به پنهان کردن این موضوعات در لایه‌های پنهان فیلم و چگونگی ارتباط با مخاطب برای رساندن این مفاهیم دارد. به اصطلاح فنی، توجه کم‌تری به فرم اثر شده که این باعث افت ارزش فنی فیلم شده است.

با تمام این اوصاف کفرناحوم اثری هدفمند است که توانسته با تحریک احساسات بیننده، حرف خود را بزند و علی‌رغم برخی ضعف‌های فنی، تماشای آن را به تمامی علاقه‌مندان به سینما توصیه می‌کنم.

کفرناحوم فیلم لبنانی اثر سال ۲۰۱۸ میلادی را می‌توان به عنوان یک فیلم اثرگذار و دغدغه‌ساز نام برد که هر بیننده‌ای را بعد از اتمام تماشای آن به فکر فرو خواهد برد. این اثر به کارگردانی و نویسندگی نادین لبکی، فیلمساز زن لبنانی، برنده جایزه هیئت ژوری جشنواره فیلم کن ۲۰۱۸ و نامزد بهترین فیلم خارجی مراسم اسکار سال ۲۰۱۹ شد.

داستان فیلم در مورد زین، پسر بچه‌ای از مناطق فقیرنشین لبنان در خانواده‌ای پرجمعیت است که خانواده او به سختی از پس تامین نیازهای اولیه او، خواهران و برادرانش برمی‌آید. زین علاوه بر کار در بیرون از خانه به خواهر کوچک‌ترش در حل مشکلاتی که دارد کمک می‌کند و این چنین داستان غم‌انگیز و احساسی زین آغاز می‌شود. داستان فیلم به صورت فلش‌بک‌هایی روایت می‌شود. در ابتدای فیلم زین را می‌بینیم که در دادگاه از پدر و مادرش برای به دنیا

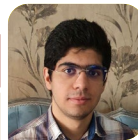


THE RIGHTEOUS MIND JONATHAN HAIDT



کتاب The Righteous Mind

حسین رحمانی



چی می‌شه که می‌گیم یه کاری خوبه، یه کاری بد؟ یا این کار اخلاقی هست ولی اون یکی نیست؟ مرز بین این‌ها از کجا میاد؟ اگه یه ریشهٔ مشخص و مشترک دارن پس چرا از یه فرهنگ به فرهنگ دیگه متفاوته؟ حتی از خانواده به خانواده هم ممکنه مرز اخلاقی بودن کارها جابه‌جا شه. این که سهله، حتی توی یه خانواده ممکنه یکی بگه این کار اخلاقیه و کس دیگه‌ای از همون خانواده بگه که نه. این اختلاف نظر از کجا میاد؟

این کتاب می‌خواد به ما بگه برچسب اخلاقی یا غیر اخلاقی‌ای که ما به تصمیمات می‌زنیم، برخاسته از بخش شهودی مغز ماست و منطق توی این قضاوت‌ها نقشی نداره. کتاب از یک استعاره استفاده می‌کنه: (elephant and rider) فیل و فیل‌سوار؛ فیل بخش شهودی مغز و فیل‌سوار بخش منطقی مغز ماست. اگه فیل واقعاً بخواد به سمتی بره، فیل‌سوار نمی‌تونه جلوش رو بگیره؛ حالا هرچه قدر که تلاش کنه. در طول کتاب، نویسنده دربارهٔ ۹ تا از قضیه‌هایی که ما یه کم در مورد اخلاقی یا غیر اخلاقی بودنشون هم فکر نیستیم صحبت می‌کنه (جواب نمی‌ده، چون جواب درستی وجود نداره:) و ما رو به مفهومی که در کتاب توضیحش می‌ده نزدیک می‌کنه.

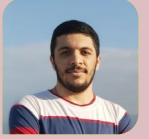
چکیده‌ای از محتواهای کتاب رو در وبلاگ و سخنرانی‌های TED اش میشه پیدا کرد. (why we should learn how to speak with elephants?)

این حرف‌هاش به فارسی هم بازگویی شده و در یادکست «بی پلاس» می‌تونید خلاصه‌ای از این کتاب رو بشنوید.

CONTROL

منظم از بی نظمی‌ها، معرفی بازی Control

پوریا سرمدی



داستان بازی درباره «جس فیدن» فردی که برادرش را در کودکی به خاطر اتفاقی فرابعدی از دست داده و حال به دنبال او می‌گردد، است. برای یافتن برادرش، جس روانه مقرر اصلی سازمان «اف بی سی» می‌شود که وظیفه آن بررسی پدیده‌های اتفاقی ابعاد دیگر و اثرات آن‌ها روی زمین است. او متوجه می‌شود که مقرر توسط موجودی فرابعدی به نام «هیس» مورد حمله قرار گرفته است. جسی به محض ورود به سازمان به عنوان رئیس جدید سازمان انتخاب می‌شود و وظیفه حفاظت از کارکنان آنجا را به عهده می‌گیرد.

داستان بازی با وجود داشتن پدیده‌های تخیلی با ارائه روایتی فلسفی، هیچ‌وقت حوصله‌سربر نمی‌شود و گیم‌پلی جذاب مبارزاتی آن با ترکیب قابلیت‌هایی مثل پرواز و کنترل اجسام، همواره فضا را برای خلاقیت مخاطب آزاد می‌گذارد. از دیگر نقاط قوت بازی، گرافیک بی‌نظیر و کاملاً واقع‌گرایانه آن است که همراه با موسیقی و صداگذاری بی‌نظیر شخصیت‌ها، در انتقال احساس به مخاطب بی‌نقص عمل می‌کند. بازی در سال ۲۰۱۹ و برای تمامی پلتفرم‌های اصلی منتشر شد و با بهترین بازی‌های اکشن ۲۰۱۹ است. دریافت Metascore ۸۲ و IGN ۸.۸ از بهترین جوایز متعدد در جشنواره‌های معتبر گواه نظرات مثبت منتقدان نسبت به کیفیت بالای این بازی است. اگر اهل بازی‌ها کامپیوتری هستید، گیم‌پلی اکشن و خلاقانه، داستان مفهومی و عمیق، گرافیک واقع‌گرایانه و تجربه حس ترس و هیجان در بازی کنترل را به هیچ وجه از دست ندهید.



[درایه]